

واکاوی مؤلفه‌های معنویت اسلامی در خانواده متعالی؛ مبتنی بر اذکار سه‌گانه تسبیحات حضرت زهرا(س)*

خدیجه ضیایی^۱، سید محمود حسینی کاویانی^۲، طاهره ماهروزاده^۳

چکیده

مؤلفه‌های معنویت اسلامی، پایدارترین عناصر دین، پاسخ‌گوی نیازهای اساسی انسان و زمینه‌ساز دستیابی وی به مقام قرب الهی است. این مؤلفه‌ها در سه حیطة بینشی، گرایشی و کنشی در اذکار تسبیحات حضرت زهرا(س) تجلی یافته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی انطباق مؤلفه‌های معنویت اسلامی در خانواده متعالی مبتنی بر اذکار سه‌گانه تسبیحات حضرت زهرا(س) در سه حیطة بینشی، گرایشی و کنشی به‌روش تحلیلی-اسنادی با رویکرد تحلیل محتوای متون دینی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که در «مؤلفه معنوی بینشی» و با توجه به ذکر «الله اکبر» و موضوع خداآوری، ذات الهی مستجمع جمیع کمالاتی است که همه از درک آن عاجزند. همچنین در «مؤلفه معنوی گرایشی» و با نظر به ذکر «الحمدلله» و موضوع محبت الهی، همگان خود را نسبت به شکر الهی و جبران نعم الهی عاجز می‌یابند. همچنین در «مؤلفه معنوی کنشی» و با عنایت به ذکر «سبحان الله» و موضوع عبودیت، همه انسان‌ها با اعتراف به فقر خود و در قالب دعا، اظهار تعلق ذاتی خود به خداوند را ابراز کرده و با تکیه بر قدرت نامحدود الهی، مشکلات را وسیله رشد خود قلمداد می‌کنند. نتایج کلان پژوهش نشان داد، راز جهانی بودن حضرت فاطمه(س) به مثابه بانویی موفق و داشتن خانواده‌ای متعالی، در عمق معنویت و ویژگی‌های روحانی ایشان نهفته است.

واژگان کلیدی: معنویت اسلامی، تسبیح، تحمید، تکبیر، تسبیحات حضرت زهرا(س)، زن و خانواده.

۱. مقدمه

در آموزه‌های اسلام، انسان اساسی‌ترین موضوع آفرینش و هدف ارسال رسل و انزال کتب برای رسیدن به سعادت است. از طرفی، «معنویت» نیز که امری ذاتی انسان است، بر ابعاد وجودی و زندگی دنیوی وی مؤثر است. برای نمونه، حضرت زهرا(س) نمونه‌ای عالی معنویت اسلامی و در کنار آن، ایفاگر نقش دختر پیامبر(ص)، همسر حضرت علی(ع) و مادر امامان معصوم(ع) است و این موضوع نشان می‌دهد که زن مسلمان، هم توانایی سیر در مسیر قرب الهی و دستیابی به بالاترین درجات معنوی را داراست و هم معنویت او بر انجام دادن صحیح نقش‌های مهم وی در خانواده سایه افکنده است. از این رو، سرچشمه‌های ایجاد معنویت اسلامی یعنی، قرآن و اهل بیت(ع)، مهم‌ترین نیاز انسان را برقراری ارتباط با خداوند و پذیرش توحید ذاتی، صفاتی و افعالی می‌داند. در این میان، یکی از راه‌های پاسخ به این نیاز، اهتمام مداوم به اذکار در تسبیحات حضرت زهرا(س) است.

۱-۱. مبانی نظری تحقیق

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳-۰۶-۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳-۱۱-۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳-۱۱-۱۰

۱. دانش‌پژوه دوره دکتری شته تفسیر تطبیقی، گروه علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: kziaii@yahoo.com

ORCID: 0000-0001-6393-241X

۲. استادیار گروه فلسفه و عرفان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: mahmoud.kaviani@gmail.com

ORCID: 0009-0000-3635-4861

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: mahrozadeh@gmail.com

ORCID: 0000-0002-2140-0885

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم خدیجه ضیایی است که با حمایت مادی و معنوی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی تهیه شده است.

در پژوهش حاضر «مؤلفه» از ریشه «ألف»، اسم فاعل و از مصدر «تألیف» به معنای انس و عادت کردن به چیزی، همچنین جمع کردن چیزی پس از تفرقه است. «ألفت» به معنای ایجاد رابطه و نزدیکی و «تألیف» به معنای گرد هم آوردن اجزای چیزی است. (ابن درید، ۱۹۹۸م، ۱۰۹۱/۲). مؤلفه نیز از ریشه «ألف» به معنای یکی کردن و ترکیب دو یا چند چیز، به هم پیوستن و چیزی را شکل دادن و آشتی دادن دو چیز به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ.ق، ۱۱/۹).

با نظر به آیه قرآن که می‌فرماید: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال، ۶۳) و با دقت در معنای لغوی، تعریف اصطلاحی مؤلفه عبارتند از: عناصر یا اجزای تشکیل‌دهنده یک کل که بدون آن، کل تشکیل نمی‌شود. ارتباط میان عناصر یا اجزای تشکیل‌دهنده به گونه‌ای است که هر کدام از آنان با یکدیگر مرتبط و در راستای هدف واحد در حرکتند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱/۹) در پژوهش حاضر، مقصود از مؤلفه، اجزای تشکیل‌دهنده و مقوم معنویت اسلامی است.

همچنین واژه «معنویت» از ریشه «عنی»، مصدر جعلی به معنای قصد و اراده و «معنی» به آنچه قصد شده اطلاق می‌شود. «معنی کلمه» یعنی، مدلول و مضمون آن و «معنای کلام و معنای شعر» یعنی، آنچه از آنچه در بیان موجود است، پدید می‌آید. (ابن فارس، ۱۴۰۴هـ.ق، ۱۴۹/۴) در تعریف اصطلاحی «معنویت»، اول اینکه باید در نظر داشت، حقیقت معنویت ترکیبی از مباحث «اخلاق»، «کلام و اعتقادات» و یا «عرفان» است؛ دوم اینکه این واژه در طول تاریخ کاربردهای مختلف داشته است (میرزاخانی، ۱۳۹۱).

تعریف معنویت در پژوهش حاضر، ارتباط حقیقی خدا و انسان است که روح انسان بر اثر درک، باور و اعمال متناسب با هدف آفرینش و نظام معیار الهی، رابطه‌ای وجودی و اختیاری با خدای متعال برقرار و به‌طور دائم آن را تشدید می‌کند و مراتب کمال را در همه جنبه‌های وجودی خود تقویت می‌سازد. این ارتباط، همان «تقرب الی الله» است که دارای مراتب و درجات است.

معنویت اسلامی، عالم باطن و حقیقی جهان مادی است که بهترین واژه نزدیک به آن «حیات طیبه و نور الهی» است (الهامی نیا و همکاران، ۲۱): «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷)؛ یعنی داشتن حالات نورانی و ملکوتی که در اثر پذیرفتن حقیقت عبودیت، پذیرش ربوبیت و الوهیت و نیز عمل به دستوره‌های خداوند و دوری از ردایل در انسان ایجاد و نتیجه آن ارتباط معنوی، ابراز فقر و وابستگی نسبت به خدا و یاری جستن از درگاه الهی است. حضرت زهرا(س) به‌مثابه نمونه کامل زن مسلمان، معنویت اسلامی را در بالاترین سطح خود داراست که تأثیر آن بر ابعاد مختلف زندگی وی به‌ویژه در مسائل مربوط به نقش وی در خانواده مورد توجه است. برای نمونه، ایشان فضای زندگی خانوادگی خود را براساس معنای عبودیت و خدمت به خداوند چنان ترسیم نمود که سبک زندگی ایشان سراسر ساده‌زیستی و قناعت است و این نشان‌دهنده بی‌نیازی از دنیا و اتصال عمیق به خداست که منجر به بهترین مربی برای پرورش فرزندان چون حسنین(ع) و فداکارترین همسر برای امیرالمؤمنین(ع) است. اینها نشان می‌دهد که ایشان نه تنها در مقام یک‌زن، بلکه در جایگاه یک‌انسان کامل، معنویت اسلامی را به عالی‌ترین شکل در زندگی خانوادگی خود جاری ساخته که الگویی جاودانه برای همگان است.

واژه تسبیح از ریشه «سبح» دارای دو معناست: نوعی عبادت و نوعی تلاش و کوشش. «السُّبْحَةُ» به معنای نماز می‌باشد و «تسبیح» به معنای منزه ساختن خداوند از هرگونه نقص است. عرب‌ها می‌گویند: «سُبْحَانَ مَنْ كَذَّابًا»، یعنی چقدر دور است از این (نقص). در صفات خداوند، «سُبُوح» آمده؛ یعنی خداوند از هر چیزی که شایسته او نیست، منزه است. «السُّبُوحَات» نیز اشاره به جلال و عظمت خداوند عز و جل دارد. (ابن فارس، ۱۴۰۴هـ.ق، ۱۲۵/۳) در اصطلاح، تسبیح به معنی اظهار برترین مراتب تعظیم، و حق تعالی را بی‌عیب و پاک دانستن است و اعتقاد به اینکه خداوند دارای صفات نقص نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۸/۱۳). تسبیحات حضرت زهرا(س) شامل ۳۴ مرتبه ذکر «اللَّهُ أَكْبَرُ»، ۳۳ مرتبه ذکر «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه ذکر «سُبْحَانَ اللَّهِ»، هدیه پیامبر(ص) به فاطمه(س) است. در برخی روایات، بهترین زمان برای ذکر این تسبیحات، بعد از نمازهای واجب ذکر شده که گویای ارتباط این دو عبادت با هم است. (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۳۴۲/۳) نماز به معنای تسبیح (ر.ک، اعلی: ۱؛ صافات: ۱۴۳؛ نصر: ۳) اوج قداست و توجه بنده به خداوند، تجدید عهد بندگی و عالی‌ترین نوع اظهار تسلیم و سرسپردگی در برابر قادر متعال است که با تکبیر، تحمید، تسبیح و تقرب الی الله همراه است (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ص ۸۱۰).

قیام نشانه عبودیت؛ رکوع، بیانگر شرمساری و خضوع؛ و سجده اوج ذلت و فروتنی در برابر خالق یکتاست. در لحظه‌ای که بنده در برابر خطاب الهی قرار می‌گیرد، از سنگینی مسئولیت خویش، توان ایستادن ندارد و با نهایت تواضع به نشستن می‌گراید. او درحالی‌که از یاری دیگران ناامید شده، دستان خود را به‌سوی پروردگار بلند می‌کند و با التماس و اعتراف، فقر و نیاز خود را به درگاه الهی عرضه می‌دارد. این حالت عبودی و خالصانه، نمایانگر اوج ارتباط معنوی انسان با خداوند و اساس معنویت اسلامی است که در اعمال عبادی به زیباترین شکل جلوه‌گر می‌شود. (شفیعی، ۱۳۸۸) اعترافات حضرت زهرا(س) بعد از نماز و در قالب ذکر تسبیحات، تجلی زیبایی دارد و سیر و سلوک معنوی نماز و تسبیحات از صعود به نزول استو عطای چنین هدیه‌ای از سوی پیامبر(ص) به دختر گرامی‌شان مطلبی است که در ادامه بدان اشاره می‌شود.

۱-۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر به‌روش تحلیلی-اسنادی با رویکرد تحلیل محتوای متون دینی انجام شد. بدین منظور با مراجعه به متون و منابع غنی اسلامی داده‌های مرتبط با مسئله پژوهش گردآوری شد و با تطبیق و تحلیل مطالب گردآمده از این منابع، مؤلفه‌های معنویت اسلامی در خانواده متعالی مبتنی بر اذکار سه‌گانه در تسبیحات حضرت زهرا(س) واکاوی شد تا ضمن اشاره به مقام معنوی حضرت فاطمه(س) و نقش الگویی وی، اسرار این هدیه پیامبر(ص) به ایشان در سه حیطه بینشی، گرایشی و کنشی معنویت اسلامی کشف شود.

۱-۳. پیشینه تحقیق

همان‌گونه که ژرفکاو اندیشه‌های معرفتی حکیمان متأله و لطافت‌اندیشی‌های عارفان نامدار مسلمان مرهون آیات و آموزه‌های اهل‌بیت(ع) است، در رابطه با موضوع «مؤلفه‌های معنویت اسلامی» و «اذکار تسبیحات حضرت زهرا(س)» نیز اندیشمندان مسلمان با بهره‌گیری از آیات و روایات، آثار غنی به رشته تحریر درآورده‌اند که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کتاب *اسفار اربعه یا سفرهای چهارگانه* از صدرالدین شیرازی که گویای مراحل عملی برای رسیدن به خداست.
- *موسوعه تسبیحات کوثر* (سه‌جلدی) نوشته سید ابراهیم موسوی مبنی بر تحقیق جامعی پیرامون ذکر تسبیحات حضرت زهرا(س) در قالب فصولی چون مقام مطلق تسبیح خدا، مبدأ تشریح صدیقه کبری و مواقف معینه و مواضع ورود ذکر تسبیحات از آن جمله‌اند.

در آثار مربوط، جای ارتباط و تطبیق‌سازی دو مقوله «مؤلفه‌های معنویت اسلامی» و «تسبیحات حضرت زهرا(س)» خالی است؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر، ضمن واکاوی مؤلفه‌های معنویت اسلامی در خانواده متعالی مبتنی بر اذکار تسبیحات حضرت زهرا(س)، به پرده‌برداری از اسرار این اذکار دست یافته تا پیروان آن بانوی بزرگوار ضمن شناخت نیازها و نواقص خود در برابر خداوند و طی مسیر سلوکی، بر نقش زن معنویت‌گرا در انجام هرچه بهتر مسئولیت‌ها و داشتن خانواده متعالی ناظر آیند. چراکه تنها در این صورت خانواده از بحران اخلاق و آداب انسانی نجات یافته و مقدمات پذیرش عبودیت و ربوبیت محض فراهم می‌شود.

۲. مقام معنوی حضرت زهرا(س)؛ الگوی زن مسلمان

پیامبر(ص) به نقش الگویی شخصیت معنوی و سبک زندگی عبادی حضرت زهرا(س) آگاه بود؛ ازاین‌رو به وی عبادت عاشقانه و ذکری لسانی و قلبی یعنی، تسبیحات را آموخت که او را در مسیر توحید و عبودیت پیش برد. تسبیحات حضرت زهرا(س) بیانگر سطح بالای تقوای الهی و درک قابل توجهی از ذات خداوند و منطق بر شخصیت معنوی، انسانی و الهی اوست. همچنین اعطای تسبیحات حاکی از مقام ویژه ایشان میان اهل‌بیت(ع) و آشکارسازی نقش محوری زن در ترویج، حفظ و انتقال ارزش‌ها و معارف اسلامی-معنوی به نسل‌های آینده است. از آنجا که این تسبیحات حلقه اتصال میان وی با مؤمنان به‌ویژه زنان تلقی می‌شود، ابزاری مهم برای تقویت ایمان زنان مسلمان در تلاش برای داشتن زندگی سرشار از معنویت و رسیدن به رشد فردی و اجتماعی است؛ به‌گونه‌ای که درک و فهم اسرار ذکر این تسبیحات، نه‌تنها ارتباط شخصی انسان با خداوند را مستحکم می‌کند، بلکه وی در هر شرایطی با اعتماد به خدا و توجه دائم به صفات الهی، مسئولیت خطیر خود در خانواده مانند تربیت فرزندان، مواجهه با چالش‌ها

و مصائب زندگی، برقراری ارتباط سالم و... را با موفقیت به سرانجام می‌رساند. بنابراین، ارتباط شخصیت معنوی حضرت زهرا(س) با تسبیحات به نوعی بر ارتباط معنوی انسان با خداوند اشاره دارد و وی را الگویی برای تمام مؤمنان به‌ویژه زنان معرفی می‌کند.

۳. واکاوی مؤلفه معنوی «بینشی» خداباوری در ذکر «الله اکبر»

خداباوری به معنی پذیرش وجود ذاتی متعالی و عالی‌ترین صفات، مختص خداوند است که براهین عقلی همچون برهان امکان و وجوب و آیات الهی (ر.ک.، توحید: ۴؛ فاطر: ۱۵ و ...) بدان اشاره دارند. حضرت فاطمه(س) خداباوری را با نگاه عرفانی و به‌روش‌های فلسفی و شهودی در خطبه فدکیه چنین متجلی می‌نماید: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهِمَ وَ النَّاءُ بِمَا قَدَّمَ ... وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا، وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ ثَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى امْتِنَانِهَا. وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْأَخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْمُمْتَنِعَ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتَهُ، وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتَهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۰/۴۳). حضرت زهرا(س) در ژرفای بینش خویش که خاستگاه آن آیات نوربخش الهی است، مسئله توحید را شناخت ذات پروردگار می‌داند، هرچند این شناخت را در محدوده توانایی هیچ‌یک از انسان‌ها ندانسته است: «وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا». ایشان شناخت اسماء الهی را از طریق کشف و شهود عرفانی و برهانی مطرح نموده: «وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا» و شهود و رؤیت با چشم سر را نیز رد نموده است: «الْمُمْتَنِعَ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتَهُ» و سپس در جریان خلقت جهان هستی، موضوع بدیع بودن را به‌زیبایی ذکر کرده است: «ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ ... امْتِنَانِهَا».

علامه جوادی آملی خلقت اشیاء را نه «من شیء» دانسته که ازلیت ماده لازم آید و نه «من لا شیء» تا مستلزم خلق از «عدم» به‌وجود آید، بلکه «لا من شیء» را فرض صحیح به حساب آورده؛ زیرا دیگر لزوم ارتفاع نقیضین به‌میان نمی‌آید، بدین‌معنا که «خلق من شیء»، نقض‌کننده «خلق من لا شیء» نیست، بلکه نقیض «لم یخلق من شیء» می‌باشد؛ یعنی پروردگار، ممکنات را نه از «چیزی» و نه از «عدمی» خلق نموده؛ پس اصل عالم هستی و امکان نوظهور می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ۳۸۴/۲ - ۳۸۵) پس از توجه به جوانب وجودی و صفات احسن پروردگار که معدن رفع نیازهاست، ارتباط روحی و روانی با خدا در انسان تقویت می‌شود و انسان می‌داند «ماسوی الله» همگی معلول، مخلوق و نیازمند خداوند هستند (ر.ک.، فاطر: ۱۵). توجه به بینش عمیق حضرت زهرا(س) نسبت به خداوند، زنان مسلمان را بر آن می‌دارد که به مسئولیت‌های خطیر و مهم خود در خانواده به‌گونه‌ای بنگرند که گویی خداوند را عبادت می‌کنند و او را ناظر و پاداش‌دهنده اعمال خود می‌پندارند و از این راه توازن و اتحاد میان زندگی دنیوی و اخروی و جسم و روح خود برقرار ساخته و از خانواده به‌مثابه یک‌نهاد مقدس، مفهوم و مدلی نوین مبتنی بر همراهی بعد روحانی و جسمانی به جهانیان ارائه می‌دهند و زمینه‌ساز تربیت همه‌جانبه نسل‌هایی گردند که ریشه آن به خداباوری باز می‌گردد.

۳-۱. اعترافات بینشی خداباوری در ذکر الله اکبر

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد خداباوری یعنی، اوج توحید که در کلام حضرت زهرا(س) متجلی است: «إِلَهِي أَنْتَ الْمُنَى وَ فَوْقَ الْمُنَى» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۳۹/۲۷). چنین نگاه توحیدی خالی از نفسانیت، ضمن دستیابی به توحید ذات، صفات و افعال الهی، اعترافات به همراه دارد که ضمن بیان معنای «الله اکبر» بدان اشاره می‌شود.

۳-۲. معنائشناسی الله اکبر

واژه «الله اکبر» متشکل از «الله» و «اکبر» است که به اعترافات خداباورانه معنویت‌گرایان اشارات درخور توجهی دارد. **الف) الله:** خدای سبحان، تنها ذات مستجمع جمیع کمالات است. «الله» در قرآن، به ذات یگانه‌ای اشاره دارد که مستجمع جمیع کمالات است؛ بنابراین فقط ذات خداوند همه کمالات را داراست و قرآن با نسبت دادن اسماء و صفات به خداوند، تمام کمالات را برای او ثابت می‌کند: «قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ...» (اسراء: ۱۱۰). در آیه مذکور، دو علامت حصر موجود است: نخست، کلمه «الْأَسْمَاءُ» که اصطلاحاً جمع محلی به «ال» است و مشمول تمام اسماء است و دوم، مقدم شدن خبر: «لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» نه «الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى لَهُ». به‌طور کلی معنای دو حصر یعنی، نام‌های نیکو فقط برای خداست

و هیچ‌کس در این کمالات سهم استقلالی و اصلتی ندارد؛ چراکه ظاهر آیاتی که برخی کمالات را در انحصار خدا می‌داند، مؤید این معناست: «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹). (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۱۴۳/۳).

همچنین لغویون و مفسران متفق‌القول هستند که «اللَّهُ» اسم علم برای ذات مقدس خداوند است و اگر علم نباشد، نمی‌توان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را کلمه توحید دانست و همچنین «اللَّهُ» اسم ذات واجب‌الوجودی است که بالذات مستجمع جمیع صفات کمالیه است.

ب) اکبر: صفت «اکبر» بیان‌کننده عجز و ناتوانی انسان از درک و شناخت ذات پروردگار است. منظور **قرآن** از «هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» (سبأ: ۲۳) بلندمرتبه بودن خداوند از نظر معنوی است؛ یعنی انسان معنوی منظور از بزرگی خداوند را چنین باور نموده که علاوه بر این که هیچ اندیشه‌ای نمی‌تواند تعریف کامل و رسایی از الله داشته باشد، هیچ فکر و زبانی نمی‌تواند او را وصف کند؛ زیرا توصیف در جایی است که بتوان آن چیز را در ذهن خویش ترسیم و عقل و اندیشه انسان قادر به درک آن باشد. پیامبر(ص) فرمود: «أَمَّا قَوْلُهُ "اللَّهُ أَكْبَرُ"... إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَكْبَرُ مِنْهُ؛ اللَّهُ أَكْبَرُ...؛ همانا هیچ چیز بزرگتر از او نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۹۴/۹). در اثر چنین شناختی، «بنده» خود را محو در صفات جمال و جلال پروردگار می‌بیند و به نهایت ناتوانی‌اش در وصف خداوند به درگاه الهی بارها اقرار می‌کند. از این‌رو، وی نه‌تنها به یگانگی خدا در ذات و صفات و افعال اعتقاد دارد، بلکه ملکات نفسانی و تمام فعالیت‌های زندگی‌اش توحیدی می‌شود و تمام قابلیت‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌هایش را به افاضه قدرت، ربوبیت و مالکیت خداوند می‌داند (خسروپناه، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵). این باور زمانی که از مرحله علم عبور کرده و با ایمان و روح او عجین شود، آثاری به‌دنبال خواهد داشت از جمله آرامش قلبی (ر.ک.، رعد: ۲۸)، دریافت برکات الهی (ر.ک.، اعراف: ۹۶)، ناظر بودن خداوند بر اعمالش و... (ر.ک.، مجادله: ۷).

باتوجه به آنچه گفته شد، مهم‌ترین نیاز انسان، داشتن وجودی است که در هر شرایطی به او اعتماد کرده و توکلش به او باشد. باور به عظمت و یگانگی ذات خدایی که اتم و اکمل کمالات است از سویی و غنی مطلق بودن او از سوی دیگر اقتضا می‌کند که پذیرفته شود خداوند جز صلاح بنده‌اش را نخواهد و درصدد خسران بنده خویش نباشد. پس در صورتی که آدمی به او اعتماد و توکل نماید، با چیزی جز خیر و صلاح روبه‌رو نمی‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳۳/۱۲): «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنْصِیرَنَّ عَلَىٰ مَا آدَبْتُمُونَا وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (ابراهیم: ۱۲).

همچنین این باور تأثیری شگرف بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان، به‌ویژه در مباحث مربوط به جایگاه زن و خانواده و بستری استوار برای شکل‌گیری و پایداری خانواده‌ای سالم، متعادل و مبتنی بر ارزش‌های الهی فراهم می‌کند. یکی از مهم‌ترین و بارزترین تأثیرات این باور در حوزه خانواده، ایجاد فضایی آکنده از آرامش و امنیت است. ایمان به ناظر بودن خداوند بر همه امور و تدبیر حکیمانه او در تمامی جوانب زندگی، آرامشی عمیق و اطمینانی راسخ در قلب اعضای خانواده، به‌ویژه برای زن به‌مثابه رکن اصلی خانواده، ایجاد می‌کند. این آرامش، به‌طور چشمگیری از اضطراب‌ها و نگرانی‌های ناشی از مشکلات و چالش‌های روزمره زندگی می‌کاهد و فضایی سرشار از امنیت و اطمینان خاطر را در محیط خانواده حاکم می‌کند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)، به‌طوری که آنها به‌جای تسلیم شدن در برابر مشکلات و ناامیدی، به رحمت و گشایش الهی امیدوار می‌مانند و با توکل بر او، از سختی‌ها عبور می‌کنند و درس‌های ارزشمندی از آنها می‌آموزند. به‌علاوه، این باور در روابط خانوادگی بر پایه احترام متقابل و عدالت نیز تأثیرگذار است؛ به‌گونه‌ای که درک عظمت پروردگار، اعضای خانواده را به تواضع و فروتنی در برابر یکدیگر، شکل‌گیری روابط صمیمانه و مبتنی بر احترام متقابل، رعایت حقوق یکدیگر و تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها سوق می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰). از سوی دیگر، این باور، نگرش به نقش زن در خانواده را نیز متحول می‌کند؛ یعنی هرگونه تبعیض جنسیتی و نگاه از بالا به پایین را نفی می‌کند و به نقش زن در خانواده به‌مثابه یک‌انسان کامل، دارای حقوق و کرامت برابر با مرد، ارزش و اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...» (احزاب: ۳۵). این نگرش، منجر به تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها در خانواده و مشارکت فعال و مؤثر زن در تصمیم‌گیری‌ها و امور مربوط به خانواده می‌شود.

به‌طور کلی، باور به بزرگی خداوند نه فقط یک‌ذکر زبانی، بلکه یک‌باور قلبی و عملی است که تأثیرات عمیق و پایداری بر ساختار، پویایی و روابط حاکم بر خانواده دارد. این باور، فضایی آکنده از معنویت، آرامش، عدالت، محبت و همدلی را در خانواده ایجاد می‌کند و بنیان آن را در برابر چالش‌ها و نامالایمات زندگی مستحکم و پایدار می‌سازد.

۴. واکاوی مؤلفه معنوی «گرایشی محبت الهی» در ذکر «الحمد لله»

معنویت اسلامی بر ارتباط حسی انسان با پروردگار عالم نیز استوار است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵). در ارتباط این مؤلفه با مؤلفه قبل، ابتدا تعریف محبت ذکر و سپس ارتباط این دو مؤلفه بیان می‌شود.

محبت یعنی، ادراک چیزی که با وجود شخص ملایمت و با خواسته‌های او مناسبتی داشته و از ادراک آن، لذت حاصل می‌شود و آن چیز را به‌یقین یا احتمالی خیر پنداشته و حصول کمالی را جستجو می‌کند. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵) براین اساس، لذت و بهجت هر قوه‌ای از قوای نفس، مترتب بر ادراک و معرفت است و تا نفس از چیزی آگاهی نیابد، لذت از آن حاصل نمی‌شود. این دیدگاه هر یک از قوای آدمی را دارای بهجت و لذت مخصوص به خود می‌داند؛ لذا کمال قوه قدسیه عقل، حق است، به‌خصوص حق بالذات؛ زیرا برای عقل، مشاهده حق در نظام احسن که بهتر از آن تصور شدنی نیست، بهترین لذت است. به‌ویژه توجه او به جناب حق بالذات که حسن مطلق و لقایش غایت آمال مشتاقین و وصالش نهایت همت سالکین است؛ و هر یک از این کمالات معشوق و محبوب را قوه‌ای است که ادراکش می‌کند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۴-۱۱۵). بنابراین، محبت تابع ادراک و معرفت است که البته هر ادراک و معرفتی موجب محبت نیست، بلکه ملاک محبت، ادراک کمال محبوب است و آنجا که کمال محبوب، کامل و ادراک و مدرک شدید باشد، نور محبت شدید خواهد گردید (فیض کاشانی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۱۷/۸).

در رابطه با کیفیت ارتباط نیز این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند، ولی در حین همراه بودن، ملزوم اصل و اساس و لازم فرع و نتیجه آن شناخته می‌شود. شیخ نجم‌الدین می‌گوید: «وَجَنَاحُ الْمَعْرِفَةِ وَالْمَحَبَّةِ لَا يَثْبُتَانِ مَعًا بِلُجْنِ الْمَعْرِفَةِ يَسْبِقُ جَنَاحَ الْمَحَبَّةِ إِلَّا أَنَّهُمَا مُلَازِمَةٌ لَهَا كَالظِّلِّ لِلشَّيْءِ يَشَارِكُهُ فِي الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ؛ جَنَاحِ هَاي مَعْرِفَت و مَحَبَّت هَر دُو بَه‌طُور هَمزَمَان ثَابِت نَمِی‌مَآنَد، بَلَكِه جَنَاح مَعْرِفَت بَر جَنَاح مَحَبَّت پِيشِی مِی‌گِیرَد، اَمَا مَحَبَّت بَه‌طُور هَمراه و مَلازِم بَا مَعْرِفَت اَسْت مَآنَد سَايَه‌ای کِه هَمراه بَا شِی‌ء حَرکَت مِی‌کُند و دَر اَفزَايش و کَآهش اَن شَرِیک اَسْت...». (کبری، ۱۳۶۸، ص ۴۷) این رابطه فقط در مراتب پایین معرفت و محبت حکم‌فرماست، در مراتب بالاتر که نفس از بند کثرات رها می‌شود و معرفت کامل می‌گردد، بین این دو رابطه تلازم است نه ملازمه؛ یعنی وقتی معرفت تأکید شد، محبت به‌بار می‌آورد و وقتی محبت تأکید شد، اوصاف معشوق بر عاشق تجلی می‌کند و این تجلی به دوام محبت و محبت به دوام تجلی ادامه می‌یابد (الانصاری، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

۴-۱. معناسناسی الحمد لله

«الحمد لله» یعنی، حمدها برای خداست و محمود حقیقی تنها اوست. «الف و لام» در «الحمد» برای استغراق یا جنس است؛ یعنی خداوند حمید محض و محمود صرف است. (خویی، ۱۳۹۲، ص ۴۵۳) علامه طباطبایی ستایش را در برابر بخشش کمال و جمال، و در انحصار خدا و خدا را یگانه محمود و حامد می‌داند. وی «الف و لام» در «الحمد لله» را استغراق و عمومیت می‌داند که ممکن است «لام» جنس باشد و هر کدام باشد، معنایش یکی است؛ زیرا خداوند در اسماء و افعال سزاوار ستایش است و هیچ حمدی از هیچ حامدی سر نمی‌زند مگر آنکه در حقیقت، حمد خداست؛ زیرا جمیلی که ستایش حامد متوجه آن است، فعل خداست: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱ و ۴۶/۲).

همچنین «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بر اثبات و اختصاص حمد برای خدای سبحان، این است که «اللَّهُ» جامع همه کمالات وجودی و چون حمد در برابر کمال و هر کمالی محمود است؛ بنابراین خدای سبحان محمود است. همچنین خدا رب همه عالم و هیچ شریکی در ربوبیت ندارد و چون حمد در برابر نعمت ربوبیت است، پس حمد مخصوص ذات اقدس اوست. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۳۴/۱) با نظر به اینکه حمد از هر که و برای هر چه باشد، در نهایت به خدای متعال بازمی‌گردد، در ادامه، اعترافات عاشقانه برخاسته از این ذکر بیان می‌شود.

۴-۲. اعترافات عاشقانه در ذکر الحمد لله

بسیاری اوقات نعمات الهی در غباری از غفلت فراموش شده و نوعی ناسپاسی نسبت به خداوند در انسان شکل می‌گیرد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» (عادیات: ۶). بنابراین، برای جبران این ناسپاسی و دستیابی به معرفت و تقویت محبت الهی، یکی از راه‌ها، یادآوری نعمت‌ها و تقویت روحیه شکرگزاری است که هدف اصلی بعثت انبیای الهی همین بوده است: «...فَأذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (اعراف: ۷۴). یادآوری نعمت گاهی در قالب دعا که با حمد الهی آغاز می‌شود، متجلی است؛ یعنی انسان خود را در فقر و خدا را غنی ببیند تا حمد و ثناء، مقدمه باز شدن لسان انسان به دعا و اعتراف گردد.

۴-۲-۱. اعتراف به ناتوانی از شکر نعمت‌های الهی و جبران ناپذیری نعم الهی

در آیه «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل: ۱۸) با توجه به عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»، همین قدر که انسان بداند غرق نعمت است و از ادای حق شکرش عاجز، نهایت شکر را ادا نموده است، اما این بدین معنا نیست که انسان به مقدار توانایی به احصای نعمت‌ها نپردازد؛ چراکه انجام این عمل موجب ارتقای درجه معرفت و جهان‌بینی توحیدی، عمیق شدن عشق خدا در دل‌ها و حس شکرگزاری می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۳۱۷/۱۱) حضرت زهرا(س) با حمد و ستایش خداوند در آغاز خطبه فدکیه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْعَمُ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۰/۴۳) به اعترافاتی اشاره دارد: «مِنْ عُمومِ نِعْمِ ابْتَدَأَهَا ... الْإِدْرَاكِ أَبَدَهَا»؛ که گاه کسی ناتوانی انسان در شمارش نعمت‌های الهی را انکار نمی‌کند؛ گاه انسان به‌اجمال به این حقیقت اعتراف می‌کند و گاه وارد میدان تجربه و آزمون شده، از نزدیک ناتوانی خود را درک و از سر آگاهی به این حقیقت اعتراف می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۳۸/۱۱). این نحوه اعترافات با هم متفاوتند؛ آفرینش انسان به‌گونه‌ای است که تصورات وی هنگامی در عمل یا احساس روانی او تأثیر بیشتری دارد که جزئیات آنها را درک و تصور کند. به‌جا آوردن شکر خدا، ناشی از نوعی احساس است؛ نخست انسان احساس می‌کند که بدهکار است و می‌خواهد خدمت انجام شده برای او را جبران، یا دست‌کم با زبان و گفتار سپاس گوید؛ این احساس زمانی است که جزئیات نعمت‌های الهی را درک کند. بنابراین، تفکر و تأمل درباره نعمت‌های الهی و درک جزئیات آنها موجب می‌شود انسان خود را در برابر معطی، بسیار بدهکارتر ببیند تا عظمت منعم خویش را درک و شرمسار این همه جود و کرم او باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۳۸/۱۱-۱۴۱).

در تبیین نقش زن در خانواده با الگوگیری از حضرت فاطمه(س)، از هرآنچه در رابطه با شکرگزاری نعمت‌های الهی بیان شد، می‌توان چنین بهره گرفت: در خانواده نیز زن با درک و شناسایی جزئیات دقیق ویژگی‌های شخصیتی مثبت هر یک از اعضای خانواده، آنان را موهبت و نعمت الهی از سوی خدا بداند و در رابطه با رفع ویژگی‌های منفی آنان، به شکل مؤثرتری وارد عمل شده و به توفیقاتی دست‌یابد که در هر صورت حس شکرگزاری از خداوند در وی ایجاد می‌شود. همچنین زن به‌ویژه در نقش مادری، با محبت و فداکاری‌های خود، اعضای خانواده را به سمت نهادینه‌سازی احساس بدهکاری و شکر نسبت به منعم حقیقی و افرادی که خدمتی به او روا داشته‌اند، سوق می‌دهد. فرهنگ‌سازی روحیه شکرگزاری در میان اعضای خانواده، احترام متقابل و حس فداکاری هر یک از اعضای خانواده نسبت به هم را به ارمغان می‌آورد که موجب سلامتی و پایداری خانواده می‌شود.

۴-۲-۲. اعتراف به تصور ناپذیری نعمت‌های الهی

حضرت زهرا(س) در توصیف نعمت‌های ابدی خداوند می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ فِيهِ مِنَ النُّعْمَةِ الْمُدَّةِ وَالْخُلُو؛ آنچه که از نعمت‌های جاودان و ابدی شما در آن وجود دارد...» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۰/۴۳) تفضلات الهی منحصر به نعمت‌های محدود دنیا نیست و خدا نعمت‌های ابدی را برای انسان آماده نموده است؛ به عبارتی، هرگاه بخواهیم نامتناهی را تصور کنیم، نخست مفهوم متناهی را به تصور درآورده، سپس یکی از حروف نفی را نیز به ذهن می‌آوریم و در کنار مفهوم متناهی قرار می‌دهیم و با این کار، گمان می‌کنیم مفهوم نامتناهی را تصور کرده‌ایم؛ درحالی‌که مفهوم نامتناهی را تصور نکرده‌ایم. از آنجاکه نعمت‌های الهی نیز پایانی ندارند، ذهن محدود ما را یارای درکی کامل از آنها نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۴۲/۱۱).

تجلی محبت الهی در ذکر «الحمد لله» و اعترافات ناشی از آن، آثار و نتایجی به‌همراه دارد که با توجه به حمد و ثنای خداوند، انسان به‌نوعی استغفار و توبه دست می‌یابد؛ چراکه انسان در فعل خدا هیچ عیبی نمی‌بیند، بلکه هرچه می‌بیند شایستگی و ستایش و تزییه از نواقص و کمبودهاست. چنانکه در دعای افتتاح آمده است: «وَ أَيْقَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ؛ و یقین پیدا کردم که تو در مقام عفو و رحمت، بخشنده‌ترین بخشندگان هستی» (قمی، ۱۳۸۶)، و در مقابل، انسان در خود نوعی نیازمندی و نواقص را ترسیم می‌کند؛ چراکه می‌بیند آنجایی که خداوند بزرگی خود را ابراز می‌کند، همه را حصر می‌کند (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۴۲/۱). حضرت زهرا(س) نمونه عالی انسانیت و با تمام ویژگی‌های عالی، خود را در مقابل عظمت الهی موجودی نیازمند و فقیر می‌دید: «وَإِنْ تَمَسَّسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوْهُمُ وَإِنْ تَمَسَّسْكُمْ فِتْنَةٌ...» (فاطر: ۵۳). این درک از کمال خداوند و نقص انسان، به زن و مرد مسلمان متذکر می‌شود که هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند تمام نیازهای اعضای خانواده را برآورده کنند. به همین دلیل، نقش هر فرد به عنوان یک شریک حیاتی و مکمل، دارای اهمیت و در روابط اعضای خانواده تأثیرگذار است. حضرت زهرا(س) در ایفای نقش همسر و مادر نمونه، بدون توجه به مقام والایی که داشت، نه احساس تکبر و غرور داشت و نه بی‌نیاز از همکاری و همدلی حضرت علی(ع) و فرزندان‌شان بود و با حرکت در این چارچوب، اعضای خانواده را که طالب کمال الهی بودند در راستای ایفای هرچه بهتر نقش‌های خود یاری می‌رساند.

۵. واکاوی مؤلفه معنوی کنشی عبودیت در ذکر «سبحان الله»

انسان تا به چیزی معرفت و شناخت پیدا نکند، محبت پیدا نمی‌کند. معرفت و محبت مقدمه و باطن عبادت و اخلاق است که انسان با این دو سلاح به کوشش برای کسب رضایت الهی اقدام می‌کند؛ این تلاش مفهوم عبودیت است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۱) صبغه اصلی شخصیت حضرت فاطمه(س) «بندگی محض و مخلصانه خدا» بود. عبادت و عبودیت خالصانه وی به درگاه حق، روح و جان را از غیر خدا می‌زداید و تنها نور الهی را در جوارح و جوانح آشکار می‌سازد: «أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (اسراء: ۲۳). این نوع عبادت نه تنها خضوع بلکه مقام مملوکیت در بنده در برابر خداست (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۷۳۹/۱).

زمانی که عبد، فقط خدا را غایت تمامی وجود خود بداند، می‌داند تنها خداوند یاریگر اوست و از طرفی با علم و عمل به اوامر و نواهی، تسلیم محض فرامین خداست. در نتیجه با عبد شدن، دلش را نورانی کرده و به تدریج مظهر اسماء مهر و قهر الهی می‌شود؛ این ثمرات عبادت خالصانه خداست. بنابراین عبودیت محوری، در بحث عبادت جایگاه ویژه‌ای دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ.ق، ص ۵۸۱-۵۸۲) در آیه «قُلْ مَا يَعْْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (فرقان: ۷۷) که عبادت به دعا مبدل شده است، حقیقت عبادت یعنی بنده، خود را در برابر ربّ در مقام ذلت وادارد و در تمام فضایل و ابعاد اخلاق بندگی، انسان را به رشد و شکوفایی برساند: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶).

عبودیت خالصانه حضرت زهرا(س) در ابعاد مختلف زندگی ایشان به‌گونه‌ای بود که در مسیر خدمت به خلق خدا، مسئولیت‌های سنگین خانواده و اجتماع را به‌عنوان یک‌وظیفه فردی و ابزاری برای رشد معنوی و تحقق رضایت الهی پذیرفته بود و با جان و دل انجام می‌داد و هیچ‌گونه احساس نارضایتی و خستگی از وی سر نمی‌زد. تمامی رفتارها و تعاملات ایشان با اعضای خانواده و افراد جامعه، تحت تأثیر دیدگاه عبادی و اخلاقی وی قرار داشت. به عبارتی، وی در عرصه‌های مختلف زندگی چون نقش همسری، مادری و تعاملات اجتماعی به‌گونه‌ای عمل می‌کرد که هر اقدام ایشان به نوعی با خداوند مرتبط بود و در مسیر تکامل معنوی پیش می‌رفت. این الگوی عبودیتی نه فقط برای زنان مسلمان الگوی کامل در زمینه رشد فردی و معنوی است، بلکه در سطح خانواده و اجتماع نیز تأثیرات عمیقی بر تربیت فرزندان و افراد جامعه دارد.

5-1. معناشناسی «سبحان الله»

«سبحان» علم جنس و اسم مصدر و به‌معنای تسبیح است. معنای «سبحان الله» منزّه دانستن خدا از هر چیزی که سزاوار نیست به آن وصف شود، می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰هـ.ق، ص ۳۵۷) منصوب بودن «سبحان» به اعتبار قرار گرفتن در موضع فعل است، به‌معنای «تسبیحاً لله»؛ یعنی خدا را پاک و منزّه می‌دارم. همچنین برخی سبحان الله را منزّه دانستن خدا از لواحق مادی و نقایص تشبیهی دانسته که با زبان تجرد و کمال در مقام عبودیتی که به هیچ‌وجه در آن تصرفی نمی‌توان نمود (سعیدی، ۱۳۹۲، ۳۷۰/۱).

معنای «سبحان الله» در پژوهش حضار عبارتند از: تنزیه و برتر دانستن خدا از آنچه که شأن مخلوقین است و حاکی از نوعی نقص و ناتوانی و نارسایی است؛ یعنی «خدا را ستایش می‌کنم که همه نعمت‌ها و کمالات از اوست و به او برمی‌گردد». پس با ذکر «سبحان الله» می‌گوییم: «خدا منزّه است و دارای صفات کمال و تمام است». در ادامه، اعترافات عابدان حقیقی در قالب ذکر سبحان الله بیان می‌شود.

5-2. اعتراف عابدان در ذکر «سبحان الله»

حضرت فاطمه(س) در افضل ترین عبادت یعنی، دعا: «وَ قَالَ رَبُّكُمْ اَدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَن عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ» (غافر: ۶۰)، اعترافات و درخواست‌هایی دارد که نشان از عبودیت محض او در برابر خداست؛ زیرا می‌داند خداوند با قدرت بی‌منتها و اراده و اختیار خویش جهان را اداره می‌کند: «اِنِّيْ وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِيْ فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِيفًا...» (انعام: ۷۹).

۵-۲-۱. اعتراف عابدان در عبادت

سیر انسان به کمال حقیقی سیری اختیاری و آگاهانه است که با ایمان به خدا و تسلیم در برابر او آغاز شده و کمال حقیقی انسان، در سایه حقیقت عبادتی چون دعا حاصل می‌شود. بنابراین، دعا بهترین وسیله قرب الهی در قالب ثنا و حمد و تنزیه پروردگار عالم است. دعا علاوه بر حاجت خواستن، حمد و ثنای پروردگار جهان نیز می‌باشد؛ چراکه با دعا هم معرفت رب حقیقی حاصل می‌شود (همان‌طور که در دعای عرفه بیان شده: «لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحَّدِيْنَ...») و هم حقیقت عبودیت: «اَنَا يَا اِلَهِيَ الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوْبِيْ فَاغْفِرْهَا لِيْ اَنَا الَّذِيْ اَسَاْتُ...» (قمی، ۱۳۸۶) انسان در پرتو دعا با اعتراف به فقر ذاتی خود، برای اظهار نیاز و تعلق ذاتی خود به خداوند گام برمی‌دارد. بنابراین، همه فعالیت‌های دعاکننده باید رنگ بندگی و عبودیت داشته باشد؛ زیرا عبادت خداوند موجب کمال حقیقی است. حضرت زهرا(س) به عنوان الگوی کامل زن مسلمان در بندگی و عبودیت، با نیایش‌های خالصانه و ارتباط مداوم با خداوند، نه فقط خود به درجات بالایی از کمال رسید بلکه میراث‌گرانبهایی از دعا و نیایش برای پیروان خود به یادگار گذاشت. اعتراف انسان به فقر و نقص خود در دعا، احساس خود برترینی را که موجب اختلال در روابط عاطفی، کاهش اعتماد و ایجاد تنش در میان اعضای خانواده می‌شود از میان برمی‌دارد.

به‌علاوه دعا نیاز فطری هر انسانی است؛ چراکه انسان به دلیل انسان بودنش به‌ویژه در جنبه روحی و معنوی دچار نقصان و در برخورد با مشکلات دچار نوعی اضطراب، سردرگمی و ناامیدی است. بدین دلیل، در برخورد با مشکلات همواره با وابستگی به مبدأ برتر و توکل بر آن به آرامش، امیدواری و اعتماد دست می‌یابد و چون مبدأ قدرت و فیض مطلق خداوند است، آرامش حقیقی و اعتماد به نفس در سایه وصل به او محقق می‌شود. نیاز فطری به دعا و نیایش، به ویژه در محیط خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خانواده‌ای که بر پایه دعا و توکل به خداوند بنا شده باشد، در مواجهه با مشکلات و چالش‌ها، از استحکام و پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود.

حضرت زهرا(س) به عنوان محور اصلی خانواده‌ای نمونه، با دعا و نیایش، علاوه بر ایجاد فضایی سرشار از معنویت و آرامش در خانه، فرزندان را پیوند خورده با آموزه‌های الهی و اخلاق نیکو پرورش داد. ایشان نه تنها خود اهل دعا بود، بلکه این فرهنگ را در خانواده خود نیز نهادینه کرد و به پیروان خود آموخت که چگونه می‌توان با دعا و نیایش، خانواده‌ای سعادتمند و خدامحور داشت و بر تمام مشکلات فائق آمد. خداوند که بسیاری از آیات را به شکل دعا بیان نموده تا راهنمایی‌کننده انسان در نوع درخواست‌ها و سوالاتش از خداوند باشد، اهمیت دعا را روشن می‌کند؛ زیرا **قرآن** سخن آشکار حق برای هدایت خلق، کلام مبین الهی، میزان و ترازوی سخن‌ها و عمل‌هاست. از این‌رو، باید روشن شود که چگونه به امر دعا نگریسته است. انسان زمانی که لذت و حلاوت ارتباط با خدا را بچشد و عظمت و کرامت آن را درک کند، لذات مادی و زودگذر دنیوی در نظرش رنگ می‌بازد و کشش در ارتباطات معنوی، ولع سیری‌ناپذیری را برای دلباخته حقیقی به‌دنبال دارد.

۵-۲-۲. اعتراف عابدان در اخلاق بندگی

انسان بایستی سختی‌های زندگی را وسیله‌ای برای رشد و کمال بداند. ارتباط وی با قدرت نامحدود الهی علاوه بر امنیت و آرامش، بر قدرتمندی انسان می‌افزاید. انبیاء الهی که پیشگامان مسیر سعادت بودند، در مواجهه با قدرت‌های ظاهری زمان خود، از پشتیبانی‌های مادی و امکانات مرسوم بی‌بهره بودند؛ با این وجود، با تکیه بر ایمان و اتصال به منبع الهی، نه تنها در برابر این چالش‌ها تسلیم نشدند، بلکه به پیروزی‌های چشمگیری دست یافتند.

شخصیت والای حضرت فاطمه(س) به عنوان الگویی جامع و بی‌نظیر برای زنان و خانواده‌ها، نمود برجسته‌ای از این ارتباط نظام‌مند با منبع الهی است. ایشان در مواجهه با مصائب و آزمون‌های دشوار زندگی، از جمله مشکلات اقتصادی و معیشتی، کار سنگین منزل با امکانات محدود، نگرانی برای آینده اسلام، مسئولیت تربیت فرزندان، ضعف جسمانی ناشی از کار زیاد و تغذیه نامناسب، فقدان پیامبر(ص) و شرایط دشوار سیاسی و اجتماعی پس از رحلت ایشان، با اتکا به ایمان عمیق و پیوند استوار با خداوند، فضیلت‌های اخلاقی همچون صبر و استقامت را به منصفه ظهور رساند که سرمشقی جاودان برای بشریت است. همچنین ایشان در مواجهه با مشکلات با اتخاذ رویکردی مبتنی بر توکل، دعا و تلاش مستمر، الگویی عملی برای مدیریت بحران‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت‌های رشد و تعالی ارائه داد. حضرت زهرا(س) با تربیت فرزندان چون حسنین(ع) که نمونه‌ای از ایمان و پایداری در تاریخ اسلام هستند، نشان داد که چگونه اتصال به منبع الهی می‌تواند نه تنها فرد، بلکه بنیان خانواده و جامعه را نیز تحت تأثیر قرار دهد و به انسجام و تعالی آن کمک کند. این موضوع، بیانگر تأثیر مستقیم ایمان و معنویت بر ساختار و کارکرد خانواده به عنوان یک نهاد بنیادین اجتماعی است. برای مؤمن هرچه پیش آید خیر است؛ زیرا مؤمن همواره خودش را از زیر چتر رحمانیت و رحیمیت خداوند می‌بیند و به مدد ایمان به خدا و عقیده توحیدی از آنها برای رشد و کمال بهره می‌گیرد و در مصاف با مشکلات با دعا و نیایش از خداوند متعال یاری می‌جوید. این رویکرد، در سیره عملی حضرت فاطمه(س) نیز به وضوح قابل مشاهده است. ایشان در کنار تلاش‌های خستگی‌ناپذیر در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود، همواره به دعا و نیایش با خداوند متعال می‌پرداخت و از او مدد می‌جست که راه کمال معنوی او را هموارتر می‌کرد: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...» (غافر: ۶۰).

6. نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل داده‌های به دست آمده در مسئله پژوهش حاضر می‌توان گفت که پیامبر(ص) به شخصیت معنوی و الگویی نمادین بودن دختر گرانقدرشان نسبت به مؤمنان به‌ویژه زنان مؤمن آگاه بود، از این رو، هدیه‌ای در قالب اذکار به وی بخشید که به «تسبیحات حضرت زهرا(س)» مشهور شد. مؤلفه‌های معنویت اسلامی که در رأس آن خداوند است، در اذکار این تسبیحات متجلی است. این تجلی مطابق با روایاتی که خواندن تسبیحات را بعد از نمازهای واجب مورد توجه قرار داده‌اند، قابل بررسی و تطبیق‌سازی است. هنگامی که انسان در نماز و ارتباط با معبودش به اوج سیر و سلوک عرفانی دست می‌یابد و در حال و هوای خوش بندگی است، این اذکار در پایان نماز، تکرار همان سیر لذت‌بخش برای انسان است تا از بودن با پروردگار و اعترافات خود در نزد او لذت کافی را برده باشد.

اعترافات بنده که از سیر صعودی به نزولی است، بنده خالص را برای ارضای عبودیت و پذیرش ربوبیت یاری می‌کند؛ به‌طوری‌که در آغاز با بینش خداپاورانه و با توجه به معنای «الله اکبر»، تنها ذات خداوند را مستجمع جمیع کمالات دانسته و خود را عاجز از درک و شناخت این ذات می‌داند. سپس با محبت الهی در دل و با گفتن «الحمد لله» نسبت به شکر، عدم جبران و تصور نعم الهی اظهار عجز می‌نماید. در آخر، با پذیرش محض عبودیت خود، با توجه به معنای «سبحان الله» به فقر ذاتی و تکیه بر قدرت نامحدود الهی، در مشکلات اعتراف می‌نماید. راز جهانی بودن شخصیت فاطمه(س) به‌عنوان زن موفق و داشتن خانواده‌ای متعالی در عمق معنویت و ویژگی‌های روحانی ایشان نهفته است.

سپاسگزاری

با سپاسی فراوان، از نهاد فاخر جامعه‌المصطفی العالمیه و اساتید گرامی جناب آقای دکتر سید محمود کابویانی و سرکار خانم دکتر ماهرورزاده که رهنمودهای ارزشمندشان، چراغ روشن راه در مسیر تعالی علمی و معنوی‌ام بوده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات شریعت.
- ۱. ابن‌درید، محمد بن حسن (۱۹۹۸م). **جمهره اللغة**. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۲. ابن‌فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴هـ.ق). **معجم مقاییس اللغة**. محقق: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ هـ.ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۴. الانصاری، عبدالرحمن بن محمد (دباغ) (۱۳۷۹). *عشق اصطربلاب اسرار خداست (مشارق الانوار القلوب و مفاتح اسرار الغیوب)*. محقق: چرسوور هریتیر. تهران: طهوری.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *تفسیر موضوعی قرآن مجید*. قم: اسراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *مراحل اخلاق در قرآن*. قم: اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *ادب فنای مقربان*. قم: اسراء.
۹. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۵). *نصوص الحکم بر فصوص الحکم*. تهران: رجاء.
۱۰. حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۸۵). *معارف و معاریف*. قم: مؤسسه فرهنگی آرایه.
۱۱. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰). *کلام نوین اسلامی*. قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
۱۲. خویی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ هـ.ق). *البیان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه احیاء آثار خویی.
۱۳. سعیدی، گلبابا (۱۳۹۲). *فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی، با تکیه بر آثار ابن عربی*. تهران: انتشارات زوار.
۲۶. شفیعی، محمد (۱۳۸۸). *سیمای نماز در مثنوی معنوی با استناد به آیات و روایات*. فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ۳۶(۳)، ۱۲۳-۱۲۵.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ هـ.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ هـ.ق). *العین*. قم: انتشارات هجرت.
۱۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۲۸ هـ.ق). *المحجۀ البیضاء فی تهذیب الاحیاء*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. قمی، عباس (۱۳۸۶). *مفاتیح الجنان، دعای ماه رجب*. تهران: نشر محمد.
۱۸. کبری، نجم‌الدین (۱۳۶۸). *فوائج الجمال و فوائج الجلال*. تهران: انتشارات مروی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ هـ.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ.ق). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه دار الإحیاء التراث العربی.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). *معارف قرآن*. قم: مؤسسه در راه حق.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). *تفسیر نمونه*. تنظیم و تحقیق: احمد علی بابایی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. میرزاخان، مهدی (۱۳۹۱). *ارزش و جایگاه معنویت در قرآن و روایات اسلامی و دلالت‌های برنامه درسی بر مبنای آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
۲۵. الهامی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۰). *معنویت اسلامی: چیستی و چرایی و چگونگی*. قم: زمزم هدایت.